

قرآن و رستگاری پیروان ادیان

محمود قیوم زاده^۱

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی دیدگاه قرآن در خصوص پلورالیسم دینی پرداخته است. آنچه در این مقال مورد توجه است، پلورالیسم فلسفی و معرفتی یا صدق می باشد. آیاتی از قرآن کریم مورد استفاده تکثر گرایان قرار گرفته است و با استناد به آنها بر این عقیده اند که کثرت گرایی صدق مورد تأیید اسلام می باشد و قرآن بر صادق بودن مدعیات ادیان مختلف صحه می گذارد. اما در این نوشتار روشن خواهد شد که آیات شریف قرآن که مورد استناد پلورالیست ها است، هیچکدام بر مدعای آنها دلالت نمی کنند؛ در بیان هر کدام از آیات مورد استناد، ابتدا به بیان دیدگاه کثرت گرایان پرداخته شده و سپس استدلال بر آن جهت اثبات ادعایشان مورد نقد قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

دین، قرآن، کثرت گرایی، صدق، نجات، رستگاری

^۱ - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

طرح مسأله:

در حوزه کلام جدید و فلسفه دین، کثرت گرایی دینی یکی از مباحث مهم و اساسی می‌باشد. کثرت گرایی^۱ موضعی است که در مقابل پدیده تنوع و تکثر ادیان اتخاذ شده است. گرچه کثرت گرایی رویکردهای متفاوت و معانی و اقسام مختلف دارد اما یکی از مهمترین رویکردهای آن کثرت گرایی صدق^۲، معرفتی و یا فلسفی می‌باشد، یعنی مدعیات ادیان مختلف در عین اینکه با یکدیگر تناقی دارد ولی جملگی صادق و صحیح می‌باشد. در نگاه ابتدایی به دعوت پیامبران و پیام آنها، انحصارگرایی^۳ صدق مستفاد است. یعنی هر پیامبر و صاحب شریعتی بر این اعتقاد است که راه صحیح و مطابق واقع همین راه من است و آن را تبلیغ می‌کند. از جمله دیدگاه اسلام هم این گونه است. از ظاهر آیات چندی از قرآن کریم هم چنین نگاه می‌توان فهمید. ولی آیتی از قرآن کریم است که برای کثرت گرایی به آنها استناد شده است و لازم است نگاه دقیق و جامعی به این آیات و بیان آنها شده تا دیدگاه قرآن در این خصوص مشخص شود. در این مجال به بیان و بررسی این آیات پرداخته شده است. و برداشتی که در خصوص پلورالیسم دینی از آنها شده است مورد نقد و بررسی قرار گرفته و مشخص شده است که در دیدگاه قرآن نمی‌توان مدعیات ادیان مختلف در عین تنافی با هم همگی صادق و مطابق با واقع دانست و کثرت گرایی صدق را قائل شد. گرچه امکان سعادت و نجات پیروان ادیان مختلف در روز قیامت و عذاب نشدن برخی از آنها که خواهان راه صحیح و الهی بوده‌اند، مطلبی است که از برخی آیات قرآن، قابل استفاده است که کثرت گرایی نجات و کلامی^۴ می‌باشد. اما در مقال حاضر دیدگاه قرآن در زمینه کثرت گرایی صدق مورد نظر است همانگونه که کثرت گرایی اخلاقی و اجتماعی هم مورد توجه نیست. اینک آیتی از قرآن که مورد استناد پلورالیست ها قرار گرفته است و نقد استدلال آنها .

¹ - Religious pluralism

² - Diverstiy Religious

³ - Exclusivism - Religious

⁴ - theological pluralism

۱- آیه ۴۸ سوره مائده :

از جمله آیاتی که مورد استناد برای پلورالیسم دینی است آیه ۴۸ سوره مائده است که خداوند در آن آیه اختلاف مسلکها و روشها را به خود مستند کرده و آنها را تأیید کرده است. آیه چنین است: «و انزلنا الیک الكتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه من الكتاب و مُهِمْنَا عَلَیْهِ فَاحْکُم بَیْنَهُمْ بِمَا انزل الله و لا تتبع اھوائهم عما جاءک من الحق لکلّ جعلنا منکم شرعاً و منها جاو لو شاء الله لجعلکم امّةً واحدهً و لکن لیلوکم فی ما اتیکم فاستبقوا الخیرات الی الله مرجعکم جمعیا فینبئکم بما کنتم فیہ تختلفون» یعنی: «و این کتاب را (= قرآن) به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می کند، و حافظ و نگهبان آنهاست؛ پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن و از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن؛ و از احکام الهی، روی مگردان ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه‌ای روشن قرار دادیم؛ و اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرار می‌داد؛ ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد). پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جوئید. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می‌کردید؛ به شما خبر خواهد داد».

در خصوص دلالت این آیه بر مدعای پلورالیست‌ها آورده‌اند: «این یک بیانیه بسیار اصلی در طرفداری از پلورالیسم قانونی و مذهبی می‌باشد که مسلمانان، بویژه رژیمهای مسلمانان، بطور جدی در نظر نگرفته‌اند. بسیاری از گزارشگران مدرن بخوبی گزارشگران کلاسیک روی این آیه مهم اظهار نظر نکرده‌اند». (۱۳/۳)

همچنین از این آیه استفاده کرده‌اند که پلورالیسم خواست خداوند است: «اولین کسی که بذر پلورالیسم را در جهان کاشت، خود خداوند بود که پیامبران مختلف را فرستاد و بر هر کدام ظهوری کرد و هر یک را در جامعه‌ای مبعوث و مأمور کرد و بر ذهن و زبان هر کدام نهاد و چنین بود که کوره پلورالیسم گرم شد». (۶/۱۸)

برخی دیگر گفته‌اند: «به نظر می‌رسد پلورالیسم معنایی عمیق‌تر از آنچه مطرح می‌کنند دارد. یعنی برای هر قومی وجهه‌ای از راه تقرب به خداوند نهاده شده است و هر کس باید از همان راهی که در پیش روی اوست، در نیکوکاری بر دیگری سبقت بگیرد و

این دستور خداهم هست.» (۷ - ۴/۸)

نقد و بررسی:

میان مفسران در اینکه این آیه تأیید ادیان متکثر نیست و ادعای پلورالیسم را نمی‌رساند اتفاق نظر است؛ گر چه تفاسیر معانی مختلفی برای آیه آورده‌اند. که ذیلاً به آن اشاره می‌شود.

یک: آیه درصدد بیان مشیت و قدرت خداوند است. به این معنا که خداوند اراده‌اش بر این قرار گرفته است که انسانها را آزاد بگذارد و آنها بر اساس انتخاب و قدرت و اراده خود راه را برگزینند. و این اعطای آزادی به معنای رسمیت دادن به ادیان دیگر و یا مجازات نکردن متخلفان نیست. خود خداوند فرمود: «لویشاء الله یهدی الناس جمعیا» یعنی: «اگر خدا می‌خواست همه را هدایت می‌کرد.» (ر، ج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۰۳)

دو: بیان دیگر در تفسیر این آیه این است که خداوند اراده کرد تا شرایع و آیینهای مختلف پی در پی بر حسب اقتضائات زمانی و مکانی و بر اثر شرایط پیش آمده بیانند و هر دین و آیین لاحقی نسخ کننده شریعت سابق باشد. یعنی اگر خدا می‌خواست، مردم را بر محور یک دین حق در پرتو پیامبر الهی جمع می‌کرد و دین و شریعت از آدم تا خاتم یکی بیش نبود و از تبدیل و نسخ شریعت خبری نبود اما خداوند چنین نکرد؛ بلکه ادیان و شرایع متکثر فرستاد و در شرایع پیشین تبدل انجام گرفته و توسط آیین خاتم منسوخ شده‌اند. (همان)

علامه طباطبایی (ره) هم از این تفسیر جانبداری کرده و معتقد است، مقصود از «امه واحده» وحدت و یکنواختی در استعدادها و بسترهای پذیرش در ادیان است. یعنی اگر خدا می‌خواست می‌توانست زمینه‌ها و استعدادهای آدمی را یک دست و یکنواخت می‌آفرید تا آنها از ابتدا تا نهایت تنها قابلیت و شایستگی یک شریعت را داشته باشند. ولی خدا به جای آن بستری فراهم آورد تا انسان، رو به رشد و تکامل نهد و این با صرف اختلاف جغرافیایی یا زبانی و نژادی محقق نمی‌شود، بلکه راه و رمز آن اختلاف به حسب گذشت زمان و بالندگی استعدادهای آدمی در پذیرش شریعت کامل است، تا بدین سان

انسان قدم به عرصه امتحان بزرگ الهی بگذارد. (طباطبائی، ج ۵، ص ۲۵۲)
 سه: معنای سوّم در معنای آیه شریفه برگشت به نفی بعثت می‌کند؛ به این معنا که می‌گوید: اگر خدا می‌خواست که مردم امه واحده گردند، اصلاً پیغمبری را ارسال نمی‌کرد تا اینکه مردم در پرتو عقل خود گام برداشته و امت واحد می‌شدند، اما خداوند برای هدایت بیشتر مردم پیامبرانی فرستاد تا مردم با تبعیت از آنها به درگاه حق نایل آیند. هر چند لازمه آن، نگرویدن بعضی از مردم و در نتیجه اختلاف امت است.

البته اگر به آیات قبل از آیه ۴۸ سوره مائده دقت شود واضح می‌گردد که این آیه تأیید ادیان و شرایع متکثر نیست بلکه در خود این آیه هم دین را و کتاب قرآن را کتاب حق و مهیم توصیف کرده است که یعنی، مسلط و حاکم بر شرایع و کتب دیگر است. (همان / ۳۴۸)

۲- سوره کافرون و استدلال بر پلورالیسم:

«بسم الله الرحمن الرحيم قل يا ايها الكافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عابدتم ولا انتم عابدون ما اعبد لكم دينكم ولي دين» (سوره کافرون)، (۱ - ۶) یعنی: «بگو: ای کافران! آنچه شما می‌پرستید من نمی‌پرستم و نه شما آنچه من می‌پرستم می‌پرستید، و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده‌اید می‌پرستم، و نه آنچه شما می‌پرستید من می‌پرستم؛ (حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم».

از این آیات اینگونه استفاده می‌شود که، اسلام برای مسلمانان، محترم است و مکتبهای غیر اسلامی برای غیر مسلمانان حرمت دارد و هر کس می‌تواند دین خاص و مکتب مخصوص داشته باشد و هر یک در حد خود، حق است.

نقد و بررسی:

اگر انسان دقت در معانی آیات کند، متوجه خواهد شد که هدف و معنای حقیقی این آیات رد کثرت گرائی است، نه اثبات آن. به بیان دیگر، قرآن از زبان پیامبر اکرم (ص) چنین نمی‌گوید که: هم دین شما و هم دین من حق است تا دلیلی بر کثرت گرائی دینی باشد. بلکه آیات درصدد نفی کثرت گرائی است.

برای بیان بیشتر مطلب، لازم است اشاره شود که، مشرکان مکه به پیامبر اکرم (ص) پیشنهاد دادند که یک سال شما بت‌های ما را بپرستید ما نیز یک سال خدای شما را می‌پرستیم و نیز سال سوّم خدایان ما را پرستش کن، دوباره در سال چهارم، ما خدای تو را می‌پرستیم، و اگر مشاهده می‌شود که در این سوره چهار جمله تکرار شده است، ناظر بر همین پیشنهاد چهار ضلعی مشرکان حجاز است؛ در واقع آنها پیشنهاد کثرت گرایانه داشتند. خداوند تبارک و تعالی بر پیامبر رحمت و وحی فرستاد و این پیشنهاد را رد کرد و فرمود: حق ممزج با باطل، حقیقت خود را از دست می‌دهد. حق باید به گونه‌ای صاف و خالص باشد که هیچ گونه بطلانی در قلمرو آن راه پیدا نکند و انضمام باطل به حق، حق را باطل می‌کند، نه اینکه باطل را حق کند؛ همانگونه که اختلاط آب آلوده با آب زلال و شفاف، هرگز آن را طاهر و زلال نمی‌کند؛ بلکه آب زلال را نیز آلوده می‌کند و همانطور که ضمیمه شدن مجهول به معلوم، مجهول را معلوم نمی‌کند، بلکه مفهوم معلوم را نیز مجهول می‌کند.

بر این اساس خداوند به پیامبر فرمود به کافران بگو: هرگز حق با باطل هماهنگ نخواهد شد؛ این گونه نیست که هم دین شما حق باشد و هم دین من، و شما هم در انتخاب راه آزاد باشید. شما پیشنهاد دادید که من این کثرت را بپذیرم، اما نه اینگونه نیست؛ من دین شما را نمی‌پذیرم و شما هم دین من را نخواهید پذیرفت چرا که لجاجت شما مانع از قبول دین حق خواهد شد. بنابراین نتیجه این می‌شود که هیچکدام تسلیم دیگری نخواهند شد. «لکم دینکم ولی دین» بر این اساس آیات سوره کافرون مؤید پلورالیسم نیست. (جوادی آملی، ص ۲۲۳)

۳- آیه ۶۲ سوره بقره:

یکی از مهمترین آیاتی از قران کریم که مورد استناد جهت کثرت‌گرایی دینی قرار گرفته است آیه ۶۲ سوره بقره است. خداوند می‌فرماید: «ان الذین امنوا و الذین هادوا و النصراری و الصابئین من امن بالله و الیوم الاخر و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم و لاخوف علیهم و لاهم یحزنون» یعنی: «همانا کسانی که ایمان آوردند و یهودیان و مسیحیان و صابئین، کسانی از آنها که ایمان به خدا و روز جزا داشته و عمل صالح انجام دادند، مزدشان نزد پروردگارش محفوظ و هیچ ترسی و اندوهی بر آنان نیست.»

مستدلین به این آیه می‌گویند: دلالت آیه واضح است؛ چرا که بر اساس این آیه، ملائک نجات، ایمان به خدا و قیامت و عمل صالح است؛ حال به هر دینی که باشد. پس همگان در انتخاب دین آزادند؛ چون در هر دینی، هم حقیقت یافت می‌شود و هم راه سعادت و نجات انسان در آن برنامه ریزی شده است. پس مهم، تأمین عوامل نجات و سعادت، که همانا ایمان به خدا و قیامت و عمل صالح است، می‌باشد. پلورالیسم دینی هم چیزی جز این نیست یعنی، انسان با پیروی از هر دینی، اهل نجات و سعادت باشد. در سوره مائده هم آیه ۶۹ مفهومی شبیه به این آیه آمده است.

نقد و بررسی:

واقعیت این است که این آیه شریفه مثبت دیدگاه کثرت‌گرائی نیست. چرا که آیه شریفه در صدد بیان یک قانون کلی است و آن اینکه، انسان زمانی در قیامت رستگار می‌شود که اصل اصولی و اعتقادی را پذیرا باشد. گویا آیه می‌فرماید: انسانها چه مؤمن، چه یهودی چه مسیحی و چه صابئی هر کس که به خدا و روز قیامت معتقد باشد و عمل نیک انجام دهد خدا مزد چنین شخصی را ضایع نمی‌کند.

لزوم اعتقاد به اصل نبوت:

شاید کسی بگوید: در این آیه شریفه فقط ایمان به خدا و روز جزا آمده است و در کنار آن اعتقاد، عمل صالح لازم است، اما از اصل نبوت سخنی به میان نیامده است. از این سخن، این گونه می‌توان پاسخ داد، که آنچه خداوند تحت عنوان کلی «عمل صالح» فرموده است اعتقاد به نبوت را هم شامل می‌شود. چرا که عمل صالح خود دو مطلب را می‌رساند یکی، اعتقاد به وحی و نبوت؛ دیگری، عمل به آنچه که پیامبر و حجت هر عصری آورده است؛ چرا که در فرهنگ قرآنی عمل صالح بر عملی منطبق است که مطابق با وحی و رهاورد حجت هر عصری باشد؛ و زمانی می‌شود گفت کسی به وحی عمل می‌کند که آورنده وحی را به رسمیت بشناسد نتیجه این که در این آیه اعتقاد به توحید و معاد صریحاً آمده است و اعتقاد به نبوت را در ضمن بیان عمل صالح ذکر کرده است.

بنابراین، آیهی مورد استناد تکثر‌گرایان، دلالت ندارد که انتخاب هر دینی آزاد است، بلکه می‌گوید: فقط اعتقاد به اصول اسلام و عمل به احکام آن، موجب نجات است.

(جوادی آملی، ص ۶-۲۳۵)

احتمالات مختلف در آیه:

آنچه در معنای آیه شریفه بیان شد، این بود که این آیه با یک دعوت عمومی، مسلمانان ظاهری و مسیحیان و یهودیان و صابئین را به اسلام واقعی و حقیقی فرا می‌خواند.

اما در معنای آیه احتمالات دیگر هم داده‌اند که مطابق آنچه ذکر شد نیست.

یک: بعضی بر این باورند که آیه در صدد بیان این است که مؤمنان و یهودیان و مسیحیان و صابئین اگر در ظرف زمانی خودشان به اصول ادیانشان پایبند بوده و این سه عامل را داشته باشند اهل نجات هستند. چنانچه زمان حال، مسلمانان باید به این سه اهل پایبند باشند. به عبارت دیگر، اگر کسی در زمانی تابع دین و پیرو حجتی بود که متبع بود و مطابق آن عمل کرد اهل نجات است. یعنی یهودیان تا زمان نزول انجیل به دستور حضرت موسی پایبند و مسیحیان تا زمان نزول قرآن به دستور عیسی مسیح (ع) عمل، و صابئین منسوب به حضرت یحیی (ع) به دستور آن حضرت عمل کردند، قابل قبول است.

باید گفت: گر چه اصل این سخن درست است یعنی هر کسی نسبت به ظرف زمانی خودش سنجیده می‌شود. ولی آیه شریفه در صدد بیان آن نیست. چرا که قرآن نمی‌خواهد برای گذشتگان تعیین تکلیف کند، بلکه چون قرآن کتاب هدایت جهانیان است، برای انسانهای کنونی و آینده تعیین تکلیف می‌کند و به انسانها می‌گوید: که عامل نجات انسان چیست؟ و چه کسانی نجات می‌یابند.

دو: احتمال دیگر آنکه، مراد آیه این است که مسیحی یا یهودی یا صابئی واقعی هرگاه به حقانیت دین موسی و عیسی و یحیی‌باور داشته باشد؛ از آنجا که در کتابهای آسمانیشان به آمدن پیامبر اسلام بشارت داده شده است حتماً به پیامبر اسلام به عنوان آخرین پیامبر ایمان آورده و مسلمان خواهند شد.

البته که این سخن صحیح است؛ اما پیام اصلی و رسمی آیه این نیست؛ چرا که هم لازم می‌آید که تقدیر کلمه «منهم» داشته باشیم تا مسیحیان و یهودیان و صابئین واقعی را بگیرد و هم باید گفت که آیه در صدد دعوت عمومی به قبول اسلام است نه فقط این سه طایفه.

سه: برخی دیگر احتمال داده‌اند که آیه در صدد بیان حکم جاهلان قاصر باشد که بر اساس اصول اخلاقی خود زندگی می‌کنند و می‌گویند که آنها اهل نجات و رستگاریند و نزد خداوند مأجورند.

لکن این احتمال صحیح نیست چرا که هم با پیام اصلی آیه ناسازگار است و هم اینکه، جاهل قاصر معذور است نه مأجور در حالیکه آیه مأجور بودن را می‌گوید. (جوادی آملی، ص ۲۲۷)

۴- آیه ۱۴۸ سوره بقره:

خداوند چنین می‌فرماید: «وَلِكُلِّ وَجْهًا مِّنْهُم مَّا كَانُوا يَٰتُوكُم بِكَمِ اللَّهِ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» یعنی: «هر طایفه‌ای قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده؛ (بنابراین، زیاد درباره قبله گفتگو نکنید؛ و به جای آن)، در نیکیها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید. هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز)، حاضر می‌کند؛ زیرا او، بر هر کاری تواناست».

دکتر اصغر علی مهندس در مقاله «پلورالیسم و جامعه پیشرفته» می‌گوید: «پلورالیسم قرآنی اصطلاحات گوناگونی را در مکانهای متفاوت پیدا می‌کند. قرآن نمی‌گوید که تنها یک راه برای عبادت خدا وجود دارد و می‌تواند بیش از یک راه وجود داشته باشد.» (همان، ص ۱۳)

نقد و بررسی:

یک: «وجهه» در این آیه به معنای قبله است و معنای آن این است که هر آیینی به سوی جهت و قبله خاصی عبادت و کرنش می‌کنند. آیات قبل و بعد از خود این آیه مؤید این برداشت است. و همانگونه که اهل لغت گفته‌اند «وجهه» از جهت یا وجه می‌آید که به معنای قصد و مقصد بوده و مراد از وجهه قبله باشد، با معنای لغوی آن سنخیت دارد. (ر، ج،

رازی، ج ۴، ص ۱۳۲ و اصفهانی، ماده وجه و طریحی، ج ۶ ص ۳۶۵)

دو: دسته‌ای از مفسران این آیه را درباره اختلاف شرایع دانسته‌اند و مقصود از وجهه را شریعت و منهاج دانسته‌اند به این معنا که خداوند در این آیه سخن از اختلاف شرایع به میان آورده است. (رازی، ج ۱، ص ۲۳۱ و سروش، ص ۱۳۱)

برخی از مفسران مانند فیض کاشانی این احتمال را در کنار تفسیر سابق که یعنی

و جبهه اشاره به قبله است می‌آورد. (فیض کاشانی، ج ۱ ص ۱۵۰)

سه: برخی دیگر این آیه را اشاره به اختلاف در غایت دانسته‌اند. این تفسیر، دقیق و عرفانی است و با معنای لغوی «وجهه» هم موافق است. با این بیان که، مقصود از «وجهه» جهت و غایت است و آیه بر این نکته دلالت می‌کند که برای هر قوم و انسانی در مسیر دنیوی خود بر حسب استعداد و لیاقتش مسیر و مقصد کمال وجود دارد که خداوند او را بدان هدف توجه می‌دهد (یعنی ضمیر به الله راجع است) و یا اینکه خود قوم و انسان بدان مقصد متوجه است (یعنی ضمیر هو به کل راجع است). محی الدین عربی چنین تفسیری از آیه دارد. (ابن عربی، ج ۱ ص ۹۶)

پورسی «فاستبقوا الخیرات»:

برخی دیگر بر این باورند که دستور خداوند مبنی بر مسابقه در خیرات دلیل بر تکثر گرایی است. در بیان این دیدگاه آورده‌اند: «در مسابقه هم، برای آنکه عادلانه باشد، همه باید از شرایط یکسانی برخوردار باشند. چنانکه در مسابقه دو، همه در یک خط می‌ایستند و هیچ کس نباید یک قدم جلوتر یا عقب‌تر از دیگری باشد. پس از آیه «فاستبقوا الخیرات» استنباط می‌شود که هر یک از ادیان الهی راه رسیدن به خداست». (شیخ طبرسی، ص ۴) و بر همین اساس مدعی هستند که «الخیرات» - که به عنوان شرط مسابقه ذکر شده است - در همه ادیان الهی مانند اسلام و یهودیت و مسیحیت به طور یکسان محقق است.

در نقد این برداشت باید گفت: درست است که شرط مسابقه یکسانی است ولی آنگونه که از آیات متعدد قرآن استفاده می‌شود. موقعی مسابقه محقق می‌شود که افراد در مسابقه ثبت نام نمایند و شرط ثبت نام در این مسابقه‌ی خیرات، پذیرفتن دین و ورود در اسلام اصطلاحی است و در غیر این صورت کسی حضور در مسابقه ندارد. بنابراین خطاب «فاستبقوا الخیرات» ناظر به مسلمانان است و تمامی مفسران آن را تأیید کرده‌اند. و بر فرضی که دعوت به خیرات عام گرفته شود و شامل اهل کتاب نیز بدانیم معنای آن این است که برای هر قوم طریق و شریعت خاصی است و خدا از پیروان شرایع مختلف می‌خواهد که در صورت عدم تسلیم به شریعت کامل و آخرین دین الهی از باب حداقل هم که شده، راه خیرات و احسان را پیشه کنند. بنابراین، اولاً خطاب آیه اختصاص به مسلمانان دارد، و ثانیاً

در صورت تعمیم آن، صرف دعوت به امور خیریه استفاده می‌شود و آیه هیچ دلالتی بر تأیید حقانیت شرایع مختلف ندارد. (قدردان قراملکی، ص ۱۵۸)
۵- آیه ۱۷۷ سوره بقره:

در این آیه خداوند می‌فرماید: «لیس البرآن تولّوا و جوهکم قبل المشرق و المغرب و لكن البرّ من امن بالله و الیوم الآخر و الملائکة و الكتاب و النیین و اتی المال علی حبه ذوی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل و السائلین و فی الرقاب و اقام الصلوة و اتی الزکوة و الموفون بعهدهم اذ اعاهدوا و الصّابرين فی البأساء و الضراء و حین البأس اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المفلحون» یعنی: «نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق و یا مغرب کنید؛ (و تمام گفتگوی شما درباره قبله و تغییر آن باشد؛ و همه وقت خود را مصروف آن سازید؛) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران، ایمان آورده؛ و مال (خود) را با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق کند؛ نماز را برپای دارد و زکات را می‌پردازد؛ و (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهده بستند - وفا می‌کنند؛ و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند؛ اینها کسانی هستند که راست می‌گویند؛ (و گفتارشان با اعتقادشان همانگ است؛) و اینها هستند پرهیزکاران».

این آیه را دلیل بر قبول کثرت گرائی دینی در قرآن دانسته‌اند: «این آیه همچنین، بدون نیاز به گفتن، فرضیه قبلی و اصلی پلورالیزم مذهبی، بوسیله تأکید نکردن بر یک روش ویژه نیایش و ستودن اهمیت رفتار انسان و حساسیت به رنجش دیگران و ثابت قدمی خود انسان در مواجهه با بدبختی‌ها و پریشانی‌ها را پشتیبانی و حمایت می‌نماید.» (جوادی آملی، ص ۱۳)

نقد و بررسی:

آیه فوق نمی‌تواند مؤید پلورالیسم دینی باشد. چرا که:
 اولاً؛ آیه درباره، اختلاف اهل کتاب و مسلمانان در خصوص قبله مسلمانان است که اهل کتاب عبادت مسلمانان به سوی قبله نخستین یعنی بیت المقدس را مورد تردید و

نقد قرار می‌دادند. این آیه شریفه برای پاسخ به آن تردیدها نازل شد و بیان کرد که: قبله به عنوان یک نماد و سمبل مطرح است و در حقیقت عبادت و برآمد خلیتی ندارد. ثانیاً؛ آیه ملاک برّ را ایمان به همه پیامبران (ار آدم تا خاتم) ذکر می‌کند که در آن اهل کتاب جداگانه ذکر نمی‌شود. لذا آیه از بحث کثرت انگاری ادیان خارج است. (قدردان قراملکی، ص ۱۸۲)

۶- آیه ۱۳ سوره حجرات:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم ان الله علیم خبیر». یعنی: «ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را طایفه‌ها و قبایل قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقوی‌ترین شما است. خدا دانا و آگاه است».

این آیه را دلیل به کثرت گرائی آورده‌اند؛ با این توضیح که خداوند تیره‌ها و تفاوتها را تأیید کرده است و فرموده انسان در هر سلکی می‌تواند پرهیزکار باشد و ملاک تقوی و پرهیزکاری است.

نقد و بررسی:

در نقد استدلال به این آیه برای کثرت گرائی می‌توان گفت که:

اولاً؛ آیه شریفه ملاک را تقوی قرار داده است و مرتبه تقوی از اسلام و ایمان هم بالاتر است. در خود قرآن در ابتدا سوره بقره، یکی از اوصاف متقین را ایمان به پیامبر اسلام و قرآن ذکر می‌کند و می‌فرماید: «والذین یؤمنون بما انزل الیک» (سوره بقره، ۴) یعنی: «و آنهايي که بدانچه به سوی تو نازل شده ایمان دارند».

ثانیاً؛ این آیه در صدد بیان یک دستور اخلاقی و انسانی برای مسلمانان است. در شان نزول آیه است که در صدر اسلام، بعضی از مسلمانان به دلایل مختلفی مانند رنگ، ثروت، حریت، تفاخر و.. بر بعضی دیگر مباهات می‌کردند. پیامبر اسلام، مسلمانان را از این روحیه غیر انسانی بر حذر داشت. و این آیه برای تأکید و سفارش بیشتر نازل شد. و بنابراین هیچ ارتباطی با بحث ادیان و تأکید حقانیت آنها ندارد.

و به این جهت خطاب «یا ایها الناس» در آیه عام آمده است تا دلیلی بر کلی بودن

اصل فوق باشد. یعنی، برابری انسان‌ها در آفرینش و نکوهش از فخر فروشی. گذشته از آن، تناسب خطاب «یا ایها الناس» با توجه به ذیل آیه یعنی «من ذکر و انثی» در عموم، بیشتر روشن است.

نتیجه گیری:

براساس بررسی آیاتی از قرآن کریم که به عمل آمد مشخص گردید که پلورالیسم صدق و معرفتی مورد تأیید قرآن کریم نمی باشد. و اینکه برخی با استناد به بعضی آیات قرآن در صددند که دیدگاه قرآن را، صادق بودن تمامی ادیان دانسته و آن‌ها را صراط‌های حق بدانند، صحیح نمی باشد. گرچه برخی از آیات قرآنی اشاره به عذاب نشدن تعدادی از پیروان ادیان دیگر دارد و امکان رستگاری آنها را بیان می کند. اما چنین مطلبی غیر از صادق بودن مسیر آنها است بلکه امکان نجاتشان به علت نیت صادق و عمل مطابق آنچه حق می پندارند می باشد که این معنا غیر از حق بودن مسیر و دین شان است؛ توضیح مطلب مقال دیگری می طلبد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه: آیه الله مکارم شیرازی
 - ۲- ابن عربی، محی الدین، ۱۳۷۴ش، قم، تفسیر القرآن الکریم، انتشارات بیدار
 - ۳- اصفهانی، راغب، ۱۴۰۴ق، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب
 - ۴- بینا، دکتر محمود، هفت آسمان (مجله شماره ۱)
 - ۵- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱ش، قم، دین شناسی، مرکز نشر اسراء
 - ۶- سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۷ش، تهران، صراطهای مستقیم، مؤسسه فرهنگی صراط
 - ۷- رازی، امام فخر الدین، ۱۴۱۱ق، بیروت، التفسیر الکبیر، دارالکتب العلمیه
 - ۸- شیخ طبرسی، ابوعلی الفضل ابن حسن، ۱۳۸۰ق، تهران، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تعلیق: ابوالحسن شعرانی، ۱۰جلد، کتابفروشی اسلامیة
 - ۹- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی
 - ۱۰- قدردان قراملکی، محمد حسن، ۱۳۸۰ش، قرآن و پلورالیزم، کانون اندیشه جوان
 - ۱۱- طریحی، فخرالدین، بی تا، بیروت، مجمع البحرین، ۶جلد، مؤسسه الوفاء
 - ۱۲- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۳۹۳ق، تهران، تفسیر الصافی، دو جلدی، کتابفروشی اسلامیة
- 13 - Enginer, asghar ali, pluralism and civil society, isalm and pluralim, www.islam21.net/pages kevisseyes/kkev3-1.htm